



درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره
 تاریخ: ۳ آبان ۱۴۰۰
 موضوع جزئی: آیه ۴۰ _ ارتباط آیه با آیات قبل و بعد _ مفردات آیه
 مصادف با: ۱۸ ربیع الاول ۱۴۴۳
 ۱. بنی اسرائیل _ بررسی شمول بنی اسرائیل نسبت به نصاری
 جلسه: ۷

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَاللَّعْنُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ﴾

آیه ۴۰

«یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی التي انعمتُ علیکم و اوفوا بعهدی اوف بعهدکم و ایای فارهبون».

میفرماید ای بنی اسرائیل به یاد بیاورید آن نعمتی را که من به شما انعام کردم و به عهد خوتان وفا کنید تا من هم به عهد خودم وفا کنم و تنها از من خشیت داشته باشید.

ارتباط آیه با آیات قبل و بعد

در مورد این آیه قبل از هر چیز باید اشاره ای به ارتباط این آیه با آیات قبل و بعد داشته باشیم. طبق رسم معهود و متعارف، ما سعی می‌کنیم ربط و ارتباط آیات را بیان کنیم. از نظر ارتباط با آیات قبل می‌توانیم بگوییم چون پیش از این خداوند تبارک و تعالی دلایل اصول سه گانه دین، یعنی توحید، نبوت و معاد را ذکر کرد، بعد از آن به نعمت هایی که خداوند تبارک و تعالی برای همه انسان ها فراهم کرده اشاره کردند. پیش از این درباره نعمت های خداوند و آنچه که خداوند به همه انسان ها عطا کردند در این دنیا، اشاراتی شد. آخرین مسئله، مسئله هدایت بود و اینکه خداوند تبارک و تعالی در این دنیا انسان را مختار آفرید و دو راه پیش روی او قرار داد که یا راه سعادت را انتخاب کند که نتیجه و اثرش عدمُ الخوف و عدمُ الحزن است. و یا راه شقاوت را انتخاب کند، یعنی کفر و تکذیب آیات الهی که اثرش خلود در نار جهنم است.

از این به بعد خداوند اشاره می‌کند به نعمت های خاصی که به یهود و نصاری عطا کرده است. چون یهود و نصاری در برابر پیامبر گرامی اسلام از روی عناد و لجاجت ایستاده بودند و انکار می‌کردند نبوت و رسالت رسول خدا را، اینجا خداوند تبارک و تعالی به نعمتی که در گذشته به اسلاف این ها عطا کرده بودند اشاره اجمالی کرده و اینکه آنها یک عهد و پیمانی بسته بودند. خدا میفرماید شما به عهد من وفا کنید، من هم به عهد شما وفا می‌کنم، این را در حقیقت برای این بیان فرمود که دل ها و قلب های این ها را نرم کند و آماده کند برای پذیرش نبوت گرامی اسلام. اینجا فرموده که آن نعمت چیست، بلکه اشاره ای کلی و اجمالی است به نعمتی که به بنی اسرائیل عطا کرده.

در ادامه و در آیات بعدی آن چیزی را که مطلوب خداوند است را بیان کرده و چیزی که از آنها می‌خواهد، ایمان به پیامبر است. میفرماید: «و آمنوا بما انزلتُ مصدقاً لما معکم». یعنی آنچه که نازل کردم، در حالی که تصدیق کننده همان است که در نزد شما است و همراه شماست. یعنی این پیامبری که شما می‌دانید که قرار بوده مبعوث شود و این پیامبر هم در حقیقت

مصدق و تصدیق کننده آن چیزی است که شما دارید، پس به او ایمان بیاورید. لذا یاد آوری این نعمت در حقیقت مقدمه ای است برای امر به ایمان به پیامبر.

سپس طی چند آیه بعد دوباره خداوند تبارک و تعالی همین مطلب را ذکر می‌کند: «یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی التي انعمتُ علیکم». عین همین تعبیر در چند آیه بعد دوباره تکرار می‌شود و در حقیقت این یادآوری با بیان تفضیل آن قوم بر عالمیان همراه شده. یعنی یک نعمت خیلی مهمی را در آنجا اشاره می‌کنند تا اینکه میفرماید: «و اتقوا یوما لا تجزی نفس عن نفس شیئا». سپس به مرور شروع می‌کند به بیان تفصیلی برخی از مهمترین نعمت های خداوند تبارک و تعالی.

بنابراین از نظر ارتباط این آیه با آیات قبل و بعد مطلب بسیار واضح و روشن است. کسی گمان نکند که اینجا بحث خلقت آدم بود و خداوند بعد از امر به هبوط به این‌ها فرمود: «فمن تبع هدای فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون» و نتیجه بگیرد که انضباطی بین آیات نیست. لذا در مجموع آیاتی که تا اینجا بیان شد، این ارتباط و سنخیت و تناسب کاملا روشن است. آیات الهی در یک نظم کاملا آشکار این مطالب را بیان کرده است. بالاخره اول مسئله توحید، نبوت و معاد را بیان کرده و همچنین برخی دلایل آنها را. سپس به بنی اسرائیل یادآوری می‌کند که شما آن نعمت ها را به یاد بیاورید و به عهد خودتان وفا کنید که من هم به عهدم در رابطه با شما وفا کنم.

مقصود خداوند آماده سازی برای دعوت بنی اسرائیل به همان سه اصل مهم دینی یعنی توحید، نبوت و معاد است. چون «اذکروا نعمتی» یعنی نعمت من، را به یاد آورید بدین معناست که تمام نعمت ها اعم از مادی و معنوی از خداوند است. همینکه می‌گوید نعمتی، خودش یک نوع دعوت به توحید است. و اینکه میفرماید: «و اوفوا بعهدی»، باز عهد من یعنی همان صراط بندگی و پیمودن راه خدا است که طبیعتا به نوعی دعوت به نبوت و شریعتی است که نبی مکرم اسلام آورده. «اپای فرهبون» هم می‌تواند به نوعی اشاره به مسئله معاد باشد

بنابراین ارتباط این آیه و جای گرفتن این آیه در میان آیات قبل و بعد کاملا در یک مسیر منظم، روشن و منطقی است. اما طبق معمول ابتدا مفردات این آیه را و آن مقداری که از الفاظ و واژه ها لازم است توضیح داده شود بیان می‌کنیم.

مفردات آیه

۱. بنی اسرائیل

اولین واژه «بنی اسرائیل» است. منظور از اسرائیل حضرت یعقوب است؛ یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم. در اینکه اسرائیل به او اطلاق میشده و همه فرزندان او به عنوان بنی اسرائیل شناخته شدند تردید نیست. در مورد معنای اسرائیل اختلاف است. بعضی می‌گویند اسرائیل مرکب از دو کلمه «اسرا» و «ایل» است. اسرا به معنای عبد و ایل هم به معنای الله است، لذا اسرائیل به معنای «عبدالله» است. میکائیل و جبرائیل هم به همین معنا است. یعنی میکا و جبرا مانند اسرا به معنا عبد اند که ترکیبشان می‌شود به معنای عبدالله.

البته برخی گفته اند که اسرا در زبان عبری به معنای انسان یا رجل است. اسرائیل یعنی رجل الله، مرد خدا. چه بگوییم عبدالله یا رجل الله، بالاخره معنای این‌ها نزدیک به هم است و نظیر یکدیگراند.

پس بنی اسرائیل می‌شوند فرزندان اسرائیل که اسرائیل هم همان یعقوب است.

لکن بحث در این است که بنی اسرائیل اختصاص به یهود دارند و یا شامل یهود و نصاری می‌شود. یکبار از حیث لغوی می‌خواهیم در نظر بگیریم، طبیعتاً بنی اسرائیل به معنای لغوی خودش شامل یهود و نصاری می‌شود، چون هم موسی و هم عیسی از فرزندان یعقوب اند. حال یک گروه شدند یهودی و گروهی دیگر نصرانی، لذا از نظر لغوی بنی اسرائیل هم شامل یهود است و هم شامل نصاری. این‌ها همگی منتهی می‌شوند به اسرائیل که حضرت یعقوب است، منتهی بحث در این است که منظور از بنی اسرائیل در آیات قرآن و این آیه به خصوص قوم یهود اند یا اعم از یهود و نصاری.

اینجا برخی گفته اند قوم یهود منظور است. مثلاً فخر رازی در تفسیر کبیر در ذیل این آیه تصریح می‌کند که اینجا مقصود یهود است. مثلاً در ابتدای تفسیر این آیه می‌گوید: عقبها بذكر الانعامات العامة لكل البشر، عقبها بذكر الانعامات الخاصة على اسلاف اليهود. کسرا لعنادهم و لجاجهم.^۱

یا مثلاً می‌گوید: فقولہ یا بنی اسرائیل خطاباً مع جماعة اليهود الذین کانوا بالمدينة من ولد یعقوب (علیه السلام) فی ایام محمد (ص).^۲ می‌گوید این خطاب بنی اسرائیل، خطاب به جماعت یهود است، آن جماعتی که آن روز در مدینه زندگی میکردند و همه از فرزندان یعقوب بودند در ایامی که پیامبر مبعوث شده بود.

در چند جای دیگر هم این اشاره در کلمات فخر رازی وجود دارد. البته دیگران هم به نوعی این مطلب را ذکر کرده اند. حال می‌خواهیم ببینیم آیا واقعا منظور از بنی اسرائیل قوم یهود است یا اعم از یهود و نصاری است. اینجا آنچه که فخر رازی گفته، شاید از جهاتی قابل تقویت هم باشد برای اینکه در همه قرآن آن مقداری که خداوند راجع به یهود سخن گفته و حساسیت نشان داده، در رابطه با نصاری اینچنین نبوده.

ثانیا برخی از نعمت‌ها و قضایایی که در آیات بعد خداوند متعال ذکر می‌کند، مخصوص یهودی‌ها است. یعنی این دیگر شامل مسیحی‌ها نیست. لذا مجموعاً این مربوط به یهودیان است نه مسیحیان. یعنی وقتی خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید یا بنی اسرائیل، کآن به خصوص خطاب به یهود دارد این را می‌فرماید. به خاطر اینکه این‌ها در واقع در آن زمان خیلی پیامبر را اذیت می‌کردند. یعنی آن مقداری که یهود پیامبر را در آغاز بعثت و رسالت مورد اذیت قرار دادند، نصاری اینچنین نبودند و خداوند هم یهودیان را خیلی بیشتر از مسیحیان مورد مذمت قرار داد.

۱. تفسیر کبیر، ج ۲، ص ۲۹.

۲. تفسیر کبیر، ج ۲، ص ۲۹.

سوال:

استاد: اینکه دلیل نمی‌شود. کسانی که در آن ایام زندگی میکردند، چه خصوص یهود و چه یهود و نصاری، بالاخره آیات نازل میشد و پیامبر این‌ها را به آنها ابلاغ میکرد.

مواجهه و گفتگوی پیامبر مانند با سایر کفار مثل صابئین هم همین است. مانند قل یا اهل الكتاب، قل یا ایها الکافرون، در واقع آیاتی بوده که خداوند متعال نازل کرده و پیامبر در مواجهه با کفار و در مقام استدلال با آنها و احتجاج با آنها این‌ها را بیان کرده است. لذا این‌ها آیاتی است که بر پیامبر نازل شده و کأن پیامبر این‌ها را به آنها ابلاغ می‌کرده.

پس بنابر یک سری شواهد و قرائن به نظر اینطور می‌آید که منظور خصوص یهود است ملاحظه فرمودید مانند فخر رازی هم تقریباً این را محصور کردند در یهود. اما آیا می‌توانیم این را شامل غیر یهود هم بکنیم؟

اینجا شواهدی هم بر عمومیت و شمول بنی اسرائیل نسبت به مسیحیان هم وجود دارد. برخی از این شواهد را انشاءالله باید ذکر کنیم و بعد نتیجه بگیریم که کدام یک صحیح است. پس بحث ما هنوز در مفردات آیه است و سپس انشاءالله سراغ تفسیر آیه خواهیم رفت.

«والحمد لله رب العالمین»